

خلاقیت در طراحی لباس و هنرهای دستی از طریق نقوش پارچه های دوره های ایلخانی و تیموری براساس نسخ مصور در ارتقای فرهنگ و توسعه اقتصادی

مریم نصیری وطن

دانشگاه هنر تهران طراح، دانشجوی کارشناسی ارشد هنر

چکیده

لباس و هنرهای دستی از دیدگاه حضرت مولانا و گوهرخاتون بدون تردید، از ضروریات سماع بوده است، حتی در عصر معاصر هم کاربرد دارد. هدف از این مقاله؛ پیشنهادی در راستای ارتقای فرهنگ، خلاقیت و نوآوری در توسعه اقتصادی رشته تحصیلی طراحی پارچه و لباس، نسخ مصور و مطالعات موزه است. بیان مسأله و آسیب های این سه گرایش هنر عامل اصلی برای نگارنده بوده است تا بدنبال استخراج و بررسی نقوش پارچه های دوره های ایلخانی و تیموری براساس نسخ مصور برود. یافته هایی از این طریق، مانند: نوع تکنیک، نمادنقش ها، مفهوم رنگ ها و اصطلاحات جدید پارچه بدست می آید. تا انگیزه ای در جهت ایجاد ایده ای نو در خلق آثاری بر روی لباس و هنرهای دستی به توسط نقوش پارچه نسخ مصور این دو دوره باشد. و بعنوان یک صنایع کاربردی آموزشی غیرمستقیم در جهت ارتقاء فرهنگ اصیل ایرانی سنتی باشد. در این زمینه با مراجعه به صنعتگران و بافندگان و مشاهده در موزه ها احتمالات جایگاه طرح در لباس ها و مقیاس آن ها در این دو دوره پدیدار می گردد. در این دو دوره بالطبع بافندگان پارچه مهارتهایی در زمینه طراحی، بافت پارچه و صنعتگران در زمینه سوزن دوزی کسب کرده اند که منجر به بهبود مکانیزم دستگاههای بافندگی در آن دوره ها شده است. کارگاههای معتبر پارچه بافی در شهرهایی چون تبریز، سلطانیه، کاشان، یزد، کرمان و خراسان دایر شدند؛ ابریشم بافی، حریربافی، تولید پارچه های زربفت و کمخا از جمله هنرهای رایج در حوزة پارچه بافی در این دو عصر می باشند. حتی در دوره ماقبل تر از این دو دوره به لباس و کلاه نمدی مولانا که احتمالاً تکنیک بافت اجرا شده است می توان اشاره نمود. برای دریافت مطالب بیشتر به پایان نامه استخراج و بررسی نقوش پارچه های دوره های ایلخانی و تیموری براساس نسخ مصور ارجاع داده می شود.

واژگان کلیدی: نقوش پارچه، نگارگری، ارتقای فرهنگ، خلاقیت، توسعه اقتصادی